

تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

نویسنده: حجت‌اله نوری ساری^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲

چکیده

این نوشتار بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل هزینه-فایده به تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ بپردازد که در آن، هزینه‌ها و منافع این مناسبات، در دو وضعیت حفظ روابط اقتصادی و قطع آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که «مناسبات تجاری-بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان بر اساس رویکرد هزینه-فایده چگونه قابل تحلیل است و گفتمان اقتصاد مقاومتی چه نقشی را در این رابطه ایفا می‌کند؟». نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است که در شرایط کنونی، به دلیل هزینه‌های ناشی از فشار مضاعف دولت انگلستان بر نظام اقتصادی ایران، مؤثرترین پاسخ تکیه بر اقتصاد مقاومتی و پیگیری راهکارهای عملی این گفتمان است؛ از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تجدیدنظر در مناسبات خود با لندن و تغییر در الگوی روابط اقتصادی‌اش با دولت انگلستان، مقدمات و بسترهای لازم را برای بهسازی اقتصاد ملی فراهم نماید.

واژگان کلیدی:

ایران، جمهوری اسلامی، انگلستان، تحلیل هزینه-فایده، اقتصاد مقاومتی



مقدمه

پیچیدگی تحولات در دنیای معاصر، به درهم‌تنیدگی بیشتر دو حوزه راهبردی سیاست و اقتصاد منجر شده است. همین امر باعث شده تا تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی در تنظیم مناسبات سیاسی خود با سایر دولتها، توجه ویژه‌ای به اقتصاد سیاسی داشته باشند؛ بنابراین روابط خارجی دولتها به شدت متأثر از مناسبات اقتصادی آنان با دیگر بازیگران عرصه بین‌المللی است. با وجود این، در برخی موارد مبادلات اقتصادی دو کشور به شکل تام از روابط سیاسی دولتها پیروی نکرده و به‌رغم تیرگی مناسبات سیاسی، تعاملات اقتصادی از گرمای خاصی برخوردار بوده است؛ روابط سیاسی- اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان را می‌توان در این چارچوب دید.

بررسی حجم و میزان مبادلات اقتصادی دو کشور، گویای آن است که به طور کلی، روابط اقتصادی ایران و انگلستان طی سه دهه پس از انقلاب اسلامی، چندان تابع روابط سیاسی طرفین نبوده و معمولاً کمتر تحت تأثیر تنشهای سیاسی دو طرف قرار گرفته است؛ همچنان که در سال ۱۳۶۶ - که روابط دو کشور به شدت تیره شد- ایران همچنان اولین شریک تجاری انگلستان در خاورمیانه بود که حجم مبادلاتی میان دو کشور به رقم ۷۰۰ میلیون دلار رسید (سنائی، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۰). با وجود این، تهران در روابط سیاسی خود با لندن و تنظیم سطح روابط فیما بین همواره گوشه‌چشمی به روابط اقتصادی داشته است که همین مسئله موجب شده تا روابط اقتصادی بر مناسبات سیاسی سایه افکند.

از این رو، نوشتار حاضر بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل هزینه- فایده به تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ بپردازد که در آن، هزینه‌ها و منافع این مناسبات، در دو وضعیت حفظ روابط اقتصادی و قطع آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که «مناسبات تجاری- بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان بر اساس رویکرد هزینه- فایده چگونه قابل تحلیل است و گفتمان اقتصاد مقاومتی چه نقشی را در این رابطه ایفا می‌کند؟».

در این مقاله برای تحلیل روابط تجاری ایران با انگلستان، از روش تحلیل هزینه- فایده استفاده شده است. بازیگران صحنه سیاست خارجی و بین‌الملل با بهره‌گیری از این روش، منافع و مضار یک اقدام را بر اساس نتایج حاصل از آن، مورد سنجش قرار داده و گزینش خود را بر مبنای بیشترین سود و کمترین هزینه قرار می‌دهند.



چارچوب پژوهش

۱- روش تحلیل هزینه-فایده

یکی از روشهای رایج و پرکاربرد برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی «تحلیل‌های هزینه-فایده» است. اساس این روش، الهام گرفته از اقتصاد رفاه قرن نوزدهم است. به طور کلی، رابطه میان هزینه اقدام (یا یک سیاست) و ارزش سود حاصل از آن را «تحلیل هزینه-فایده» گویند (Wehmeire, 2006: 346). در واقع، این تجزیه و تحلیل رسمی از اثرات یک سنجش یا برنامه برای ارزیابی آن است که آیا مزایای (منافع) یک برنامه از معایب (هزینه) آن بیشتر است یا خیر (4) (SafetyNet, 2009).

عناصر بنیادین در این روش، شامل تعیین منافع، هزینه‌ها و دایره انتخابها هستند (Treasury Board, 1998: 7) به همین دلیل مقامات سیاسی باید پیش از عملیاتی نمودن هر نوع راهبرد، تاکتیک و سیاستی، ابتدا منافع یک به یک را بررسی نموده و با در نظر گرفتن تمامی هزینه‌ها و تهدیدات، فهرستی از گزینه‌های ممکن‌الوقوع را تهیه نماید و با مدنظر قرار دادن هزینه‌ها و منافع حاصل از آنها، اقدام به تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری نماید.

مطالعه بسترهای فلسفی این روش تحلیلی، نشان می‌دهد که روش تحلیل هزینه-فایده، روشی عینیت‌گرا و مبتنی بر تصورات سودمندگرایی^۱ در عرصه سیاست است که با تأکید بر نتیجه‌گرایی^۲ شکل گرفته است. در تصورات سودمندگرایی از سیاست چنین فرض می‌شود که هر اقدامی، یک هزینه مشخص و یک نتیجه قابل ارزیابی دارد که با تکیه بر نتیجه‌گرایی می‌توان با تحلیل هزینه و فایده، میزان سود و منافع حاصل از هر اقدام را ارزیابی نمود (Kymlicka, 1990: 9-47).

سودگرایی در معنای اصطلاحی آن، به دسته‌ای از نظریات غایت‌گرایانه یا نتیجه‌گرایانه مبتنی بر «اصل سود» اطلاق می‌شود که امروز تقریرها و تنسیق‌های متفاوت و متعددی از آن ارائه شده است؛ به مجموعه این نظریه‌ها، با اندکی تسامح، «سودگرایی» اطلاق می‌شود. اصل سود، محور و مبنای نظریه سودگرایی است که ملاک و مبنای داوری ارزشی و تعیین حسن و قبح اقدامات و سیاستهاست. اصل سود، یک اصل ارشادی و هنجاری است و به ما می‌گوید عمل، سیاست، رفتار و رویه‌ای درست و بایسته است که در مقایسه با دیگر اعمال و رفتارهای بدیل و همعرض، به بیشترین سود ممکن بینجامد. بر این اساس، در مقام تعیین

1 Cost-benefit Analysis

2 Utilitarianism

3 Consequentialism



و تشخیص درستی یا نادرستی یک سیاست، باید نتایج و پیامدهای آن را ارزیابی و با محاسبه سود که به بار می‌آید و مقایسه آن با سود دیگر سیاستهای همعرض و میزان هزینه‌ها و مضار حاصله، تصمیمی اتخاذ و عملی گردد که بیشینه سود و کمینه هزینه را تأمین کند (حسینی سورکی، بی تا، ۳-۲)؛ به همین دلیل تحلیل‌های هزینه-فایده از نواقص و کاستی‌هایی رنج می‌برند که مهم‌ترین آنها شامل موارد زیر است: نخست آنکه ارزش‌گذاری مالی برای برخی منافع و هزینه‌های سیاسی یا اجتماعی یک برنامه مبتنی بر سیاستی خاص با معیارهای اقتصادی ناممکن است. از آنجایی که کالاهای عمومی مانند امنیت، استقلال طلبی یا اعتبار بین‌المللی در بازار خرید و فروش نمی‌شوند و بخش خصوصی، علاقه و انگیزه‌ای برای تولید این کالا ندارد، دشوار می‌توانیم تمام بازده‌های یک سیاست یا برنامه مربوط به افزایش امنیت و بهبود محیط امنیتی یک کشور، همچون مانورهای نظامی را با معیارهای پولی و مالی بسنجیم (لطفیان و رهنورد، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

دوم اینکه در تصورات سودمندگرایی اخلاق و نگرش‌های انسانی جایگاهی ندارند و این اهداف هستند که کاربرد وسیله و نحوه عمل سیاسی را مشخص می‌کنند. به عبارت دیگر، سودگرایی منبعت از روش تحلیل هزینه-فایده نظریه‌ای در باب الزام است که هدف آن، پاسخ دادن به سؤال «چه باید کرد؟» است؛ از این رو جایی برای ارزشهای متعالی انسانی در آن نمی‌ماند و به معنای دیگر، انسانی بودن برای آنها مطرح نیست؛ در نتیجه منتقدان سودگرایی معتقدند که ما صرف‌نظر از نتایج اقدامات و سیاستها، دارای وظایفی هستیم که موظف به انجامشان می‌باشیم؛ چه سودی در پایان به دنبال داشته باشد، چه نداشته باشد. اجرای عدالت، احترام به آزادی و حقوق انسانها و وفای به عهد، وظایفی هستند که حتی اگر نتایج نامطلوبی هم داشته باشند، باید انجام شوند (اترک، بی تا: ۲۸۶-۲۸۵).

با توجه به آنکه اکتفا به مزایا و معایب مادی یک سیاست یا راهبرد نمی‌تواند سنجه مناسبی برای شناخت، درک و تحلیل مناسبات جمهوری اسلامی ایران و انگلستان باشد، باید شاخصه‌های غیرمادی همچون عدالت‌خواهی، استقلال طلبی، خوداتکایی و اعتبار بین‌المللی را در کنار موارد مالی، به عنوان منفعت یک اقدام یا تصمیم راهبردی در نظر گرفت. با افزودن مشخصه‌های غیرمادی به این روش تحلیلی، علاوه بر رفع برخی نواقص آن، سطح دقت تحلیلی آن نیز افزایش خواهد یافت.

۲- گفتمان اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از چارچوبهای مفهومی این پژوهش، اقتصاد مقاومتی^۱ است که با توجه به ساختار، اهداف، ابعاد و آثار، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برخی آن را ترمیم نظام اقتصادی فعلی معرفی می‌کنند و برخی دیگر، مقاوم ساختن آن. به طور خلاصه، می‌توان مجموع چهار نوع نگرش مفهومی به «گفتمان اقتصاد مقاومتی» را چنین دسته‌بندی کرد:

- «اقتصاد موازی»: همان‌گونه که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی موازی مانند جهاد سازندگی نمود، امروز نیز برای تأمین اهداف انقلاب، به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید؛ این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست.
 - «اقتصاد ترمیمی»: اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است.
 - «اقتصاد تدافعی»: این نگرش متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر هجمه دشمن است. در این مدل، وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها، راهبرد مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.
 - «اقتصاد تمدنی»: برخلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این رویکرد ایجابی و دوراندیشانه در پی «اقتصاد ایده‌آلی» است که هم اسلامی باشد و هم ایران را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد (پیغامی، ۱۳۹۱).
- با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان جوهر مفهوم اقتصاد مقاومتی را «پی‌ریزی مجدد» نظام اقتصادی کشور با اتکا و اولویت به ظرفیت‌های داخلی آن دانست. بر اساس آنچه در متن ابلاغیه رهبر انقلاب اسلامی به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده، اقتصاد مقاومتی مدلی است «متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو» که هدف آن غلبه



بر مشکلات اقتصادی، پیروزی در جنگ تحمیلی اقتصادی غرب علیه جمهوری اسلامی، حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان متلاطم و پرمخاطره کنونی، تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و عینیت‌بخشی به الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است (۱۳۹۲/۱۱/۳۰).

مقام معظم رهبری به عنوان حامی و مروج اصلی این گفتمان اقتصادی، در تشریح ابعاد و الزامات آن فرمودند: «اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، اما برون‌گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد... مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛... اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. چهارم... به پیشرفتهای علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد. پنجم، این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه می‌شود اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه، به معنای تقسیم فقر نیست بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است. ششم، اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند» (۱۳۹۳/۱۱/۱).

ذکر این نکته ضروری است که توجه به گفتمان مقاوم‌سازی در حوزه اقتصاد به جغرافیای جمهوری اسلامی محدود نشده و در دو دهه اخیر، مدنظر کارشناسان اقتصادی بوده است و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، نگاه جدی‌تری بدان داشته‌اند؛ چنان‌که مفهوم اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده^۱ به عنوان نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی، چند سال پس از تجربه بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مطرح شد؛ بحرانی که خود، حاصل خطای راهبردی وابستگی بازارهای مالی به سرمایه‌گذاران خارجی بود و به سقوط چندساله اقتصادهایی منجر شد که در جهان به عنوان معجزه آسیایی شناخته می‌شدند. مقاله هامل و والیکانگاس (۲۰۰۳) در نشریه معروف دانشگاه هاروارد با نام «نیاز به مقاوم بودن»، نمونه دیگری از پدید آمدن این هوشیاری بود (خاندوزی، ۱۳۹۲).



همچنین لازم به یادآوری است که نقطه افتراق اقتصاد مقاومتی با دو سیاست انزواگرایی بین‌المللی و ریاضت اقتصادی در وجه مثبت و ایجابی بودن آن است. دولت‌ها در رویکرد انزواگرا با کشیدن دیواری بلند، خود را از دنیای بیرون جدا می‌کنند؛ چرا که ترس آن را دارند که مشکلات بین‌المللی بر آنان تحمیل شود؛ در حالی که در رویکرد مقاوم‌سازی اقتصاد که به مثابه واکسیناسیون نظام اقتصادی است، ارتباطات خارجی در عین نفی وابستگی مفرط حفظ می‌شود. همچنین در این گفتمان، برخلاف روش ریاضتی که در راستای کاهش گسترده بودجه عمومی و تضییقات رفاهی است، توان داخلی به شکل هوشمند فعال شده و نقاط آسیب شناسایی و ترمیم می‌شوند.

بررسی روند روابط اقتصادی تهران- لندن، زمینه شکل‌گیری و بسترهای طرح اقتصاد مقاومتی را در گفتمان عمومی جامعه ایران نشان می‌دهد؛ اینکه چرا مسئولان جمهوری اسلامی با تحلیل هزینه و فایده مناسبات تجاری کشور به سمت مقاوم‌سازی اقتصاد حرکت کردند.

روند مناسبات اقتصادی در سایه روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

در دهه اول انقلاب اسلامی و در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، روابط اقتصادی تهران- لندن، به‌رغم سردی مناسبات سیاسی و فراز و فرودهای روابط دیپلماتیک، از حرارت خاصی برخوردار بود. علت عدم تبعیت مناسبات اقتصادی از مناسبات سرد سیاسی دو کشور، مربوط به ساختار بازرگانی خارجی ایران و عاملان آن و از طرف دیگر، مربوط به حفظ منافع بود که انگلستان از این طریق حاصل می‌نمود. آمار مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان از سال ۱۹۸۹-۱۹۷۹ نشان می‌دهد که روند کلی معاملات و تراز تجاری به سود دولت انگلستان بوده است (شکرانی، ۱۳۷۲: ۲۱۰-۲۰۹).

۱- دوران دولت سازندگی؛ عادی‌سازی و گسترش روابط اقتصادی

دولت سازندگی اکبر هاشمی رفسنجانی در پرتوی سیاست عادی‌سازی روابط با غرب، برای توسعه مناسبات با کشورهای اروپایی تلاش خود را آغاز نمود. «عادی‌سازی و گسترش روابط ایران و اروپا در دوران سازندگی، معلول چند عامل، از جمله «وابستگی متقابل اقتصادی دو طرف» بود» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱۲). از



دید دولت سازندگی، ایران برای تحقق مهم‌ترین هدف ملی خود، یعنی بازسازی کشور و توسعه اقتصادی، نیاز مبرمی به بازار، سرمایه و فناوری پیشرفته اروپا داشت. همچنین جمهوری اسلامی برای صادرات نفت و فروش کالاهای غیرنفتی، نیازمند بازار گسترده اروپا بود. جذب سرمایه‌گذاری کشورهای اروپایی در صنایع نفت و گاز ایران که نیاز به نوسازی داشت نیز مستلزم توسعه روابط با اروپا بود. دریافت وام خارجی برای تسریع روند بازسازی و نوسازی اقتصاد نیز دلیل دیگری برای گسترش روابط با اروپا به شمار می‌رفت. موازنه‌سازی در برابر امریکا برای خنثی‌سازی فشارهای اقتصادی این کشور بر ایران، انگیزه دیگری بود که دولت سازندگی را به توسعه روابط با اروپا سوق داد. از سوی دیگر، جامعه اقتصادی اروپا از جمله دولت انگلستان نیز نیاز شدیدی به عادی‌سازی و توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران داشتند؛ زیرا نخست، این دولت‌ها مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در دوران پس از انقلاب، حتی در زمان جنگ بودند. دوم، اروپا از طریق به‌دست آوردن بازار ایران به عنوان یک کشور بزرگ منطقه‌ای می‌توانست به رقابت با امریکا و ژاپن در عرصه اقتصادی بپردازد. سوم، ایران یکی از چهار کشور عمده تأمین‌کننده نفت جامعه اقتصادی اروپا بوده است؛ به‌ویژه ایران می‌توانست بخشی از نیازهای اروپا را نیز تأمین نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱۳).

بر این اساس، ایران و انگلستان در زمینه گسترش روابط اقتصادی، گام‌های سریع‌تری را برداشته و مناسبات تجاری خود را توسعه دادند؛ چنان‌که کمیته تجارت با خاورمیانه، در لندن در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۶۹ طی گزارشی اعلام کرد: «ارزش صادرات انگلستان به ایران در ۹ ماهه اول سال جاری، ۲۷۱ میلیون پوند بوده است که از ارزش صادرات انگلستان به ایران در سراسر سال گذشته بیشتر بوده است» (اخوان توکلی، ۱۳۸۶: ۳۷۳). همچنین در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۷۰ کریستوفر رابرتز^۱ معاون وزارت بازرگانی و صنعت انگلستان، کولین.سی.سانسام^۲ رئیس میز خاورمیانه این وزارتخانه و نیز کاردار سفارت انگلستان در تهران با مهندس علی‌نقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و دکتر به‌کیش دبیرکل اتاق ایران، در محل این اتاق دیدار کردند. در این دیدار، طرفین ضمن ابراز رضایت از روند رو به رشد مناسبات بازرگانی، به برطرف ساختن موانع برای رسیدن به حد متناسب و دلخواه ارتباطات اقتصادی تأکید کردند (اخوان توکلی، ۱۳۸۶: ۳۷۵).

مرکز آمار انگلستان، دوم شهریور ۱۳۷۲ اعلام کرد: «تراز منفی تجاری ایران با

1. Christopher Roberts.
2. Colin. C. Sansum.



انگلستان در نیمه اول سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۹۹۲ با ۵۳ درصد کاهش به ۱۶۳ میلیون دلار رسید. در این چارچوب، اعلام شد که واردات انگلستان از ایران از ۱۰۰ میلیون دلار، در نیمه اول سال ۱۹۹۲ به ۲۱۹ میلیون دلار در نیمه اول سال ۱۹۹۳ افزایش یافته و این در حالی است که در طول مدت مزبور، صادرات انگلستان به ایران ۱۵ درصد کاهش داشته است» (اخوان توکلی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

در این دوره، انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی برخلاف مشی دولت آمریکا، خواهان حل و فصل اختلافات از طریق گفت‌وگوی انتقادی^۱ به جای تحریم و تهدیدهای مضاعف بودند؛ از این رو از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ چندین دور گفت‌وگوهای انتقادی ایران و اروپا انجام شد. مهم‌ترین هدف ایران از ادامه این گفت‌وگوها، علاوه بر منافع و مبادلات اقتصادی-تجاری، مقابله با تحریمها و تهدیدات آمریکا از طریق موازنه‌سازی بود. گفت‌وگوهای انتقادی ایران و اروپا در شناخت دیدگاه‌های سیاسی دو طرف مفید بود و همکاری‌های اقتصادی-تجاری را استمرار بخشید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۱۷-۴۱۵).

برای نمونه، آمریکا در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۷۰ از فروش چهار فروند هواپیمای مسافربری «ب.ای.۱۴۶» انگلیسی به ایران، به دلیل آنکه ۱۰ درصد قطعات آنها ساخت آمریکا بود و صدور کالاهای آمریکایی به ایران ممنوع است، ممانعت به عمل آورد. مقامات انگلیسی، به‌ویژه شرکت سازنده این هواپیما با تأکید بر منافع اقتصادی خود، تصمیم آمریکا را ضربه‌ای به صنعت هواپیماسازی در انگلستان اعلام کردند. قرار بود ایران پس از تحویل چهار هواپیمای مذکور، نسبت به انعقاد قرارداد خرید شش فروند هواپیمای مشابه دیگر اقدام کند. به نوشته مطبوعات انگلستان در آن دوره: «داگلاس هرد^۲ وزیر خارجه انگلستان این موضوع را با جیمز بیکر^۳ همتای آمریکایی خود در کنفرانس سران هفت کشور صنعتی جهان که هفته پیش در لندن تشکیل شده بود، مطرح کرد» (اخوان توکلی، ۱۳۸۶: ۳۷۴). ادامه مخالفت آمریکا با فروش هواپیماهای انگلستان به ایران، زمینه‌ساز نارضایتی در فضای رسانه‌ای انگلستان شد؛ چنان‌که مطبوعات این کشور نسبت به ممانعت آمریکا از فروش هواپیماهای ۱۴۶ به ایران اعتراض کردند. مجله هفتگی فلابت اینترنشنال^۴ نوشت: «هر کشوری مختار است از روابط تجاری با کشور دیگری که نامطلوب تشخیص می‌دهد، خودداری کند اما آنچه غیرقابل پذیرش است، این است که کشوری، دولت

1. Critical Dialogue
2. Douglas Hurd
3. James Addison Baker
4. Flight International



دیگر را مجبور به تبعیت از سیاستهای خود در زمینه خودداری از معاملات تجاری با کشور دیگر کند» (اخوان توکلی، ۱۳۸۶: ۳۷۴).

به‌رغم گسترش روابط دوجانبه اقتصادی و حضور پررنگ شرکتهای انگلیسی در ایران، مقامات لندن با فشار بر تهران، به رفتارهای خصمانه سیاسی خود ادامه دادند؛ چنان‌که در سال ۱۳۷۱، دولت انگلستان بر اساس ادعای دادگاه آلمانی برلین در مورد دخالت ایران در ماجرای میکونوس^۱، در حرکتی هماهنگ با اعضای اتحادیه اروپا، سفیر خود را از ایران فراخواند و به نوعی تحریم سیاسی علیه جمهوری اسلامی دست زد (British embassy in Tehran: 2012). ضمن اینکه ادعاهای حقوق بشری، به‌ویژه در مورد حکم ارتداد سلمان رشدی نیز بهانه‌ای دیگر برای فشار سیاسی لندن بر تهران بود (Struwe, 1998: 46)؛ از این رو در این دوره، گسترش مناسبات تجاری و عادی‌سازی روابط فیما بین، مانعی برای اعمال محدودیتهای دیپلماتیک و موضع‌گیری مقامات انگلیسی علیه ایران نبود.

۲- دوران دولت اصلاحات؛ تنش‌زدایی و بهبود روابط اقتصادی

پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات به ریاست سیدمحمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶، دولت وی اساس سیاست خارجی خود را بر گفت‌وگو و تنش‌زدایی قرار داد. همزمان با آغاز روند بهبود روابط ایران با کشورهای اروپایی و انعقاد قرارداد نفتی توتال فرانسه با ایران، شرکتهای نفتی انگلستان به تکاپو افتادند تا برای حفظ رقابت در بازار ایرانی، سیاستهای ضدایرانی ایالات متحده را نادیده گرفته و با اتحادیه اروپا هم‌آوا شوند. شرکت نفتی انگلیسی- هلندی شل، بلافاصله وارد میدان رقابت با شرکتهای فرانسوی و ایتالیایی شد؛ شرکت بی.پی یا همان بریتیش پترولیوم، نمایندگی خود را در تهران مستقر ساخت و سرگرم بازار استخراج و صدور انرژی ایران شد. انگلستان زمانی که ریاست دوره‌ای تروئیکای اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، حتی آشکارا از مخالفت با قانون آمریکایی «داماتو» و سیاست آمریکایی تحریم اقتصادی ایران سخن به میان آورد. وزیر خارجه انگلستان روز ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ اعلام کرد که در سفرش به ایالات متحده، مخالفت خود را با سیاستهای یادشده آمریکایی، به آگاهی رهبران آن کشور خواهد رساند. سرانجام در نشست فوق‌العاده اعضای اتحادیه اروپا در انگلستان (اردیبهشت ۱۳۷۷) طرح آمریکایی مجازات شرکتهای اروپایی طرف قرارداد با ایران لغو شد. اتحادیه اروپا نیز در بیانیه‌ای، خواستار لغو قوانین فرامرزی آمریکا علیه ایران شد (سنائی، ۱۳۸۴: ۸۶).



در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۷۷ معاون اقتصادی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار با مدیرکل وزارت امور خارجه انگلستان، سفر مقامهای انگلیسی را به تهران در راستای تشریح دیدگاههای خود و ارزیابی واقعیتهای ایران، مثبت ارزیابی کرد. وی ابراز امیدواری کرد که سفر هیئت اتحادیه اروپایی، به درک صحیح تر مقامات از واقعیتهای جمهوری اسلامی ایران، به ویژه تواناییهای اقتصادی آن منجر شود (بی.نا، ۱۳۸۱: ۶۸). درک فاجت^۱ معاون وزیر خارجه انگلستان گفت: «دولت بریتانیا از روابط بهتر با ایران بر اساس یک مسیر صحیح استقبال می کند». فاجت در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: «ما تصریح کرده ایم که از روابط دوجانبه سازنده تر با ایران، استقبال می کنیم. ما مایل هستیم روابط دو طرفه تجاری را بهبود دهیم؛ چون این امر به توسعه ارتباط میان دو کشور کمک می کند» (بی.نا، ۱۳۸۱: ۷۱).

در این دوره، انگلستان با کنار گذاشتن پافشاری برای لغو فتوای ارتداد سلمان رشدی، به عنوان شرط برقراری روابط با تهران و لندن، دست به یک سازش سیاسی ظریف زد. به نظر می رسد که این اقدامات، ناشی از احساس ضرورت متقابلی بود که ایران و انگلستان برای احیای روابط اقتصادی با یکدیگر داشتند. همین امر موجب شد تا هر دو کشور به ناچار، موانع احیای روابط دوجانبه را برطرف کنند. نشریه نفتی پترولیوم آرگوس در ۱۵ مهر ۱۳۷۷ نوشت: شرکتهای نفتی انگلستان امیدوارند در پی بهبود روابط دیپلماتیک تهران- لندن، فعالیت های نفتی خود را در ایران گسترش دهند. به عقیده این نشریه، شرکتهای نفتی انگلستان، در ارتباط با تجارت با ایران، به شرایط سهل تری در تأمین پوشش بیمه دست خواهند یافت که برای آنها نوعی امتیاز محسوب می شود (بی.نا، ۱۳۸۱: ۱۱۱). با وجود این، دولت انگلستان به همراه سایر اعضای اتحادیه اروپا، امضای توافقنامه تجاری و همکاری^۲ با ایران را منوط به تغییر در رفتار سیاسی تهران در مورد آنچه خود ترویج دموکراسی، بهبود حقوق بشر و عدم حمایت از گروه های تروریستی می خواند، نمود (Kutchesfahani, 2006: 16).

در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۷۷ علی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در دیدار با برایان ویلسون،^۳ معاون وزیر تجارت و صنایع انگلستان در لندن گفت: «برقراری مجدد پوشش بیمه صادرات انگلستان برای مبادلات تجاری با ایران، به عنوان اراده مثبت دولت این کشور برای همکاری اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران تلقی خواهد شد». ویلسون افزود: «انگلستان درصدد بود تا هر یک

1 Derek Fatchett

2 EU-Iran Trade and Cooperation Agreement (TCA)

3 Brian Wilson



از پروژه‌های ایران را که از محل سرمایه‌گذاری در آن، هزینه‌های خود را تأمین می‌کند و درآمدزا است، مورد به مورد بررسی و برای پوشش بیمه آنها تصمیم‌گیری کند». وی در مورد تغییر رتبه ایران در فهرست مربوط به ریسک تجارت با کشور ما، قول مساعد داد(بی‌نا، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

در ادامه روند توسعه مناسبات اقتصادی، اداره تضمین اعتبارات صادراتی انگلستان تأیید کرد که در مورد ضمانت پروژه‌های ایران، روش انعطاف‌پذیرتری را در پیش خواهد گرفت. این اداره اعلام کرد که شماری از طرح‌های نفتی ایران را برای پوشش بیمه دولتی انگلستان در نظر گرفته است. کمتر از یک ماه بعد، یک هیئت هجده نفره دیگر از طرف اتاق بازرگانی انگلستان و ایران از تهران دیدار کرد. پس از آنکه وزارت خارجه انگلستان از نارضایتی تهران در زمینه عدم پیشرفت در گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی در کشور آگاه شد، اعلام کرد که روابط بازرگانی میان دو کشور را تشویق خواهد کرد. در پی آن، یک هیئت سی نفره از مدیران بازرگانی انگلستان در ژوئن ۱۹۹۹ از تهران دیدن کردند. اندکی بعد از آن، گروهی مرکب از مدیران ۲۰ شرکت انگلیسی با مقامات اقتصادی ایران در تهران به گفت‌وگو نشستند. سخنگوی وزارت امور خارجه انگلستان نیز در مصاحبه‌ای با ایرنا (۱۳۷۹/۲/۲۱) گفت که دولت این کشور در نظر دارد در جریان رأی‌گیری برای تصویب اعطای دو وام بانک جهانی به ایران رأی مثبت دهد. وی گفت که تصمیمات بانک جهانی باید فقط مبتنی بر ملاحظات اقتصادی و طرح و برنامه توسعه باشد (سنائی، ۱۳۸۴: ۹۲-۸۶).

در این دوره نیز گرچه انگلستان بنا به نیازمندی‌ها و منافع اقتصادی‌اش، مناسبات بازرگانی خود را با ایران توسعه بخشید اما مبادلات تجاری تهران - لندن موجب نشد تا دولت انگلستان از اتهام‌زنی و فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی دست بردارد؛ از این رو مقامات انگلیسی به همراه آلمان و فرانسه در خردادماه ۱۳۸۲ با صدور بیانیه‌ای به صراحت بیان داشتند که گفت‌وگوهای اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی، مشروط و منوط به اقدامات مثبت تهران در حوزه‌های حقوق بشر، عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و فرایند صلح اعراب و اسرائیل است (شیرزادی، ۱۳۸۲: ۴۶۸). انتشار اخبار مرتبط با فعالیتهای هسته‌ای ایران که به ادعای مقامات انگلستان در راستای گسترش تسلیحاتی و نظامی بود، در مناسبات سیاسی طرفین تغییراتی داد که به تدریج اثرات آن به حوزه روابط اقتصادی نیز سرایت کرد.



۳- دوران دولت اصولگرایی؛ سیاست نگاه به شرق و بحران در روابط دوجانبه

پس از پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات چهارم تیرماه ۱۳۸۴، وی در شرایطی سکان ریاست قوه مجریه را در دست گرفت که اوج اختلافات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران با کشورهای غربی بود؛ از این رو روابط سیاسی و دیپلماتیک تهران- لندن دچار تنش قابل توجهی شد. از سوی دیگر، گرایش جدیدی در سیاست خارجی ایران تحت عنوان سیاست «نگاه به شرق» مورد توجه قرار گرفت. تأکید بر سیاست نگاه به شرق در شرایطی صورت پذیرفته که تلاشها برای حل اختلافات سیاسی با غرب در دوران اصلاحات، نتیجه مطلوبی در بر نداشت.

با این حال، تنشهای سیاسی دو کشور در ابتدا بر مبادلات تجاری طرفین تأثیر چندانی نداشت بلکه مناسبات اقتصادی از رشدی چشمگیر برخوردار بود اما به تدریج علائم بحران آشکارتر شد و دولت انگلستان با هدف اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران، بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی برای تصویب قطعنامه‌هایی با محتوای تحریم جمهوری اسلامی تلاش کرد؛ از این رو در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای که انگلستان از نویسندگان پیش‌نویس آن بود (بی‌بی‌سی، ۱۳۹۰)، تحریمهای جدیدی را به دلیل پیگیری برنامه هسته‌ای به ایران تحمیل کرد. از این زمان، اگر چه مبادلات غیررسمی تجاری طرفین دستخوش تغییر مهمی نشد اما مراکز اقتصادی و مبادی معاملات دولتی، مشمول تحریمهای بیشتر و افزون‌تر دولت انگلستان شدند.

چنان‌که دادگاه عالی لندن در نهم ژوئیه ۲۰۰۸، دادخواست بانک ملی لندن برای مستثنا شدن از تحریمهای اتحادیه اروپا و جلوگیری از مسدود شدن دارایی‌هایش را رد کرد. همچنین در سال ۲۰۰۹ وزیر اقتصاد دولت انگلستان یان پیرسون اعلام کرد که مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های ایران را بر اساس قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل متحد مسدود کرده است (راديو فردا، ۱۳۸۸). در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، مجموعه بیشتری از اقدامات محدودکننده در زمینه‌های تجارت، خدمات مالی، انرژی و حمل‌ونقل علیه ایران در شورای امور خارجی اتحادیه اروپا^۱ به تصویب رسید. این اقدامات محدودکننده، شامل موارد زیر بود:

- محدودیتهایی بر تجارت کالاها و فناوری‌های دارای کاربرد دوگانه و همچنین تجهیزاتی که ممکن است برای سرکوب عوامل داخلی استفاده شود.
- محدودیت بر تجارت در تجهیزات و فناوری‌های کلیدی و محدودیت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران

1. Ian Pearson

2. Foreign Affairs Council of the European Union (EU)



- محدودیت بر سرمایه‌گذاران ایرانی در معادن اورانیوم و صنعت هسته‌ای ایران
 - محدودیت بر نقل و انتقال بانکی به ایران و از ایران
 - محدودیتهای مربوط به بخش بانکداری ایران
 - محدودیت در دسترسی ایران به بیمه و بازار اوراق قرضه در اتحادیه اروپا
 - محدودیت در ارائه خدمات خاص به محموله کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی
- (Foreign Affairs Council of the European Union, 2010)

افزون بر این، در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، وزیر دارایی انگلستان تحریمهای مالی علیه ایران را تشدید کرد. جورج آزبورن، وزیر دارایی انگلستان مدعی شد «به دلیل اینکه بانک مرکزی ایران در خدمت عملیات بانکی برای گسترش فعالیتهای هسته‌ای بوده است، دولت بریتانیا آن را تحریم می‌کند و همه مبادلات بانکی را با ایران تعطیل می‌نماید» (مشرق نیوز، ۱۳۹۰). همچنین فهرستی از شرکتهای ایرانی که از سوی سازمان ملل یا اتحادیه اروپا تحریم شده‌اند، از سوی دولت انگلستان منتشر شد (Export Control Organization, 2012). این مسائل موجب گردید تا طرح کاهش روابط سیاسی و به تبع آن کاهش روابط اقتصادی و بازرگانی با دولت انگلستان در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و به تصویب برسد.

بر اساس آمارهای رسمی، میزان صادرات انگلیس به ایران در سال ۲۰۰۹ به ۳۷۴/۰۳۶ میلیون پوند رسید که در مقایسه با سال ۲۰۰۸ به میزان ۹ درصد کاهش داشت. صادرات ایران به انگلیس نیز در سال ۲۰۰۹ میلادی به ۱۹۵/۱۵۹ میلیون پوند رسید که در مقایسه با سال قبل از آن (۲۰۰۸) حدود ۱۹۳ درصد افزایش نشان می‌داد؛ بنابراین بر اساس آمارهای فوق، مجموع تجارت فیما بین دو کشور در سال ۲۰۰۹ به ۵۶۹/۱۹۵ میلیون پوند بالغ شد که از وجود تقریباً ۱۷۸/۸۷۷ میلیون پوند کسری تراز بازرگانی به نفع انگلیس حکایت داشت. برای مقایسه بهتر وضعیت تجارت میان دو کشور انگلیس و ایران طی سالهای ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۹، جدول زیر اطلاعات مربوط به صادرات و واردات دو کشور را به تفکیک نشان می‌دهد (سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن، ۱۳۹۰):



مبادلات تجاری میان انگلیس و ایران در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ (میلیون پوند)

۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	
۳۷۴/۰۳۶	۴۱۲/۱	۴۰۰/۳	۴۳۱/۴	۴۶۳/۹	۴۴۳/۸	۴۷۶/۸	صادرات انگلیس به ایران
۱۹۵/۱۵۹	۶۶/۶	۶۶/۴	۷۱/۷	۳۸/۸	۴۳/۸	۳۰/۶	صادرات ایران به انگلیس
۵۶۹/۱۹۵	۴۷۸/۷	۴۶۶/۷	۵۰۳/۱	۵۰۲/۷	۴۸۷/۴	۵۰۷/۴	مجموع تجارت دو کشور
۱۷۸/۸۷۷	۳۴۵/۴	۳۳۳/۹	۳۵۹/۷	۴۲۵/۱	۴۰۰	۴۴۶/۲	کسری تراز تجاری

منبع: وب‌گاه سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن

در هشت ماهه سال ۱۳۹۰ رقمی معادل ۱۱۷ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار کالا از کشور انگلستان وارد شده که بدین ترتیب، با توجه به حجم واردات کشور در این مدت، معادل ۳۹ میلیارد و ۷ میلیون دلار سهمی معادل ۳ دهم درصد را به خود اختصاص داد. از طرفی دیگر، طی دوره هشت ماهه سال ۱۳۹۰ رقمی معادل ۲۰ میلیون دلار کالای غیرنفتی به کشور انگلستان صادر شده که با توجه به حجم صادرات غیرنفتی، معادل ۲۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار سهم کشور مزبور از صادرات غیرنفتی ایران، معادل ۷ دهم درصد بوده و از این نظر، کشور انگلستان در رتبه ۵۱ شریک تجاری ایران در حوزه صادرات غیرنفتی قرار گرفته است. تازه‌ترین آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، در زمینه بررسی مبادلات بازرگانی تهران و لندن در سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ و هشت ماهه سال ۱۳۹۰ بر این موضوع تأکید دارد که این مدت زمانی، تراز بازرگانی غیرنفتی ایران با انگلستان همواره منفی بوده است (اطلاعات نت، ۱۳۹۰).

تحلیل هزینه- فایده روابط اقتصادی ایران و انگلستان

پس از آنکه دولت انگلستان در آبان‌ماه سال ۱۳۹۰ اعلام کرد که همه ارتباطات مالی خود با ایران را در چارچوب تحریم‌های اتحادیه اروپا و شورای امنیت قطع خواهد کرد، موجی از اظهارات و ارزیابی‌ها درباره تأثیرات این اقدام مقامات لندن در محافل سیاسی، دانشگاهی و پژوهشی ایجاد شد؛ از همین رو در این قسمت برآنیم تا با روش تحلیل هزینه- فایده، تأثیرات قطع روابط تجاری فی‌مابین را بر



نظام اقتصادی ایران بررسی کرده و نقش و نتیجه تحقق گفتمان اقتصاد مقاومتی را بر آن تبیین نماییم:

۱- هزینه‌های قطع روابط اقتصادی با دولت انگلستان

۱-۱- ارزش مبادلات تجاری مستقیم میان ایران و انگلستان در دوران پیش از انقلاب، سالانه بیش از یک میلیارد پوند بود که در سالهای پس از انقلاب اسلامی رو به کاهش گذاشت و اکنون به کمتر از ۳۰۰ میلیون پوند در سال رسیده است. به‌رغم مسائل و مشکلات موجود میان دو کشور، روابط اقتصادی به‌ویژه مبادلات دوجانبه میان بخش‌های خصوصی، هرگز متوقف نشده است اما بخشی از این مبادلات اکنون به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود. در حال حاضر نیز سالانه حدود یک میلیارد پوند مبادله تجاری میان دو کشور صورت می‌گیرد اما از این رقم، حدود ۷۰۰ میلیون پوند آن به طور غیرمستقیم و از طریق واسطه‌ها و کشورهای دیگر انجام می‌شود؛ از این رو با کاهش روابط مسیر تجاری ایران و انگلستان به طور غیرمستقیم و از طریق واسطه استمرار خواهد یافت (دانشور، ۱۳۸۲: ۳۸). در واقع، قطع روابط اقتصادی ایران با انگلستان موجب می‌شود تا تجاری که قصد واردات کالا از انگلستان را دارند با قیمت مضاعف از طریق دومی، روال کار خود را ادامه دهند که هزینه این کار، در نهایت بر مردم کشور تحمیل می‌شود. سازمانهای دولتی نیز در صورت نیاز به کالا یا خدماتی که انگلستان تأمین‌کننده آن است، از طریق واسطه و با پرداخت هزینه بیشتر، نیازهای خود را تأمین خواهند کرد (تقوی و روحی‌صفت، ۱۳۸۸).

۱-۲- واردات انگلستان از ایران، بیشتر متوجه واردات نفت خام است؛ از این رو کاهش سطح روابط اقتصادی میان ایران و انگلستان، به معنای محدود شدن خرید نفت ایران از سوی انگلستان خواهد بود. باید توجه داشت که بخشی از نفت و گاز موجود در خلیج فارس، میان ایران و کشورهای همسایه مشترک است. ایران به واسطه تحریم و به دلیل استفاده نکردن از فناوری‌های پیشرفته شرکتهای خارجی، مانند شل و بی.پی مجبور به همکاری با شرکتهای ویتنامی، مالزیایی و چینی شده که از فناوری پایین‌تری برخوردارند؛ حاصل این وضعیت این است که قطر، مقدار گازی که از حوزه مشترک پارس جنوبی برداشت می‌کند، بسیار بیشتر از جمهوری اسلامی ایران است. در حوزه نفتی فروزان - که در کف خلیج فارس میان ایران و عربستان سعودی مشترک است- در حال حاضر، ایران حدود چهل هزار بشکه در روز برداشت می‌کند، در حالی که سعودی‌ها بیش از ۴۰۰ هزار بشکه در روز برداشت می‌کنند (زیباکلام، ۱۳۹۰).



در شرایط کنونی، به دلیل وضع تحریمهای گسترده دولتهای غربی، به‌ویژه محدودیتهای اقتصادی لندن علیه تهران، شرکتهای انگلیسی قادر به مشارکت با وزارت نفت ایران در راستای استخراج و تولید نفت نیستند؛ در نتیجه کاهش سطح روابط اقتصادی با دولت انگلستان، تغییری در روند کنونی اقتصاد کشور ایجاد نخواهد کرد.

۳-۱- اکنون انگلستان بر صنعت خدمات مالی متمرکز شده است. بر طبق قوانین اقتصاد، بهره‌مندی از شرکای قدرتمند اقتصادی برای هر کشوری یک امتیاز است و محروم شدن از ارتباط با کشوری مانند انگلستان، ممکن است در بعد اقتصادی به زیان ایران باشد. انگلستان می‌تواند ایران را با بسیاری از کشورهای دیگر در روابط اقتصادی و تجاری جایگزین کند. اقتصاد ایران از بسیاری جهات به خارج وابسته است اما ممکن است از دید تصمیم‌گیران کشور، زیان اقتصادی کاهش سطح روابط با لندن، کمتر از زیان ادامه روابط موجود باشد (زیباکلام، ۱۳۹۰).

۴-۱- بنا به ادعای برخی، به دلیل ساختار معیوب اقتصاد کشور، تحریمها به تدریج اثرگذار خواهد بود. چنانچه زیرساخت و ساختار اقتصادی ایران به گونه‌ای بود که تحریمهای اعمال شده یا کاهش سطح روابط با کشورهای دیگر، موجب شکوفایی ساختارهای تولیدی، صنعتی و اقتصادی کشور می‌شد، این اقدامات مثبت تلقی می‌گردید اما این اتفاق، رخ نداده است (زیباکلام، ۱۳۹۰).

برخلاف این اظهارات، به نظر می‌رسد که کشور در دوران تحریم، در حوزه صنعت و فناوری‌های جدید، شاهد پیشرفت قابل توجهی بوده که تا پیش از آن، تصور چنین پیشرفتی برای بسیاری منتفی بود. بخشی از این پیشرفت‌ها در عرصه هسته‌ای، نانو، پرتاب ماهواره و دارویی تحقق پیدا کرد. اما کشور همزمان با اعمال تحریمها و قطع ارتباط اقتصادی با مراکز بین‌المللی، در صحنه اقتصادی دچار مشکلاتی شد که بخشی از آن، ریشه داخلی داشت؛ بنابراین باید میان دو حوزه صنعت و تجارت تفکیک قائل شد؛ زیرا برخلاف مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی در عرصه فناوری‌های برتر، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۵-۱- قطع ارتباط اقتصادی جمهوری اسلامی با انگلستان باعث می‌شود تا کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ترکیه، به عنوان رقبای تجاری ایران، از این وضعیت بهره برده و نقش واسطه تجاری میان ایران و انگلستان را بازی کنند؛ در نتیجه هم کالاهای مبادله شده برای خریدار گران تمام می‌شود و هم بخشی از سودی که باید به تجار و بازرگانان انگلستان و ایران می‌رسید به واسطه‌ها می‌رسد و هم رقبای تجاری ایران در موقعیت بهتری قرار می‌گیرند (ایرنا، ۱۳۹۰). تا پیش از



پیوستن امارات به جرگه کشورهای تحریم‌کننده، تخمین زده می‌شد که دویی حداقل چهار میلیارد دلار در سال از تحریم ایران سود می‌برد. همین مسئله را در مورد چین و ترکیه و دیگر کشورهایی که تهران برای تهیه مایحتاج خود از طریق آنها اقدام می‌کند، می‌توان دید. تخمین زده می‌شود کالایی که وارداتی است، به دلیل تحریمها ۱۰ تا ۳۰ درصد بیشتر هزینه می‌برد. این در مورد کالایی است که کشور می‌تواند از طریق ترکیه، امارات یا مرزهای غیررسمی وارد کند اما مواد با کاربرد دوگانه، برای نمونه موادی که هم در صنایع داروسازی و هم در صنایع نظامی استفاده می‌گردند، به آسانی وارد کشور نمی‌شوند و هزینه‌های مازاد آن نیز افزایش می‌یابد؛ چون این مواد مطلقاً به ایران فروخته نمی‌شود و احتمالاً از بازار قاچاق تهیه و خریداری می‌شوند (ایرنا، ۱۳۹۰).

۶-۱- آمارهای رسمی نشان می‌دهند، گرچه آلمان هنوز در صادرات به ایران از چین پیش‌تر است اما به دلیل تحریمها، نقش چین در واردات و صادرات کشورمان طی چند سال اخیر، به شدت در حال افزایش است (ماهنامه اقتصاد ایران، آبان ۱۳۸۶). این وابستگی مفرط به اقتصاد نوظهور چین، در آینده می‌تواند تأثیرات مخربی را بر اقتصاد و تولید داخلی ایران بگذارد؛ ضمن اینکه وابستگی مفرط به چین، علاوه بر تبعات اقتصادی، می‌تواند به عنوان پاشنه آشیل روابط سیاسی، مشکلاتی برای ایران در عرصه سیاست خارجی ایجاد نماید؛ چنان‌که این وابستگی اقتصادی، می‌تواند ابزاری مناسب برای امتیازگیری سیاسی و اقتصادی چین از ایران باشد.

۷-۱- سالهاست که بخش عمده داد و ستدهای مالی دنیا در لندن انجام می‌شود؛ بنابراین در صورت قطع روابط تجاری ایران با انگلستان، کشور در حوزه داد و ستدهای مالی با مشکلاتی مواجه خواهد شد. همچنین بخشی از تولیدات ایران با صنعت انگلستان گره خورده است؛ از ماشین‌آلات صنعتی تا وسایل آزمایشگاهی از این کشور به ایران وارد می‌شوند؛ بنابراین قطع روابط بازرگانی ایران با این کشور، چندان سهل و آسان نیست (امینی، ۱۳۸۸).

۸-۱- بسیاری از مواد اولیه، کالاهای، مواد اولیه نیم‌ساخته و فناوری مورد نیاز جمهوری اسلامی ایران، مشمول تحریمها شده است. امکان تولید بخشی از این مواد هم در داخل کشور نیست. سعی دولت بر این است تا از طریق امارات یا ترکیه یا هر کشور ثالثی، تحریمها را دور بزند و کالاهای مختلف را از این طریق وارد کند (زیباکلام، ۱۳۹۰)؛ این امر نشان‌دهنده آن است که کشور برای تأمین بخشی از مایحتاج خود، همچنان به رابطه اقتصادی با دیگر دولتها، به‌ویژه کشورهای صنعتی مانند انگلستان نیاز دارد.



۹-۱- برخی هزینه‌ها یا خسارات ناشی از قطع رابطه با نظام اقتصادی انگلستان، در ابتدا قابل بررسی نیستند اما اینها نیز بخشهای دیگر هزینه‌های قطع روابط محسوب می‌شوند (زیباکلام، ۱۳۹۰). لندن اکنون به مرکز اصلی خرید بسیاری از نهادهای دولتی، تجهیزات نفتی و محل برگزاری سمینارهای مناقصه برای جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران تبدیل شده است (صدوقی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)؛ از این رو باید در بلندمدت به هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از قطع ارتباط اقتصادی با دولت انگلستان نیز توجه نمود.

۲- منافع قطع روابط اقتصادی با دولت انگلستان

۱-۲- دولت انگلستان با این ذهنیت که مقامات ایرانی در پی حفظ مناسبات تجاری با این کشورند، همواره از رابطه اقتصادی تهران-لندن، به عنوان ابزاری برای فشار بر دولت ایران استفاده کرده است. سابقه عملکرد مقامات انگلیسی در این حوزه، نشان می‌دهد که از دید لندن، تعاملات تجاری و بازرگانی، اهرمی مناسب برای تهدید و ارباب دیپلماتیک جمهوری اسلامی به شمار می‌آید. بر این اساس، قطع روابط یا لاقط نمودن عزم انجام این حرکت، موجب خواهد شد تا ضمن تغییر در نگرش و ذهنیت دولتمردان انگلیسی نسبت به فضای حاکم بر مناسبات تجاری کنونی، انگیزه آنان برای بهره‌برداری سیاسی از مناسبات اقتصادی تغییر کند.

۲-۲- یکی از مهم‌ترین منافع حاصل از قطع یا کاهش روابط اقتصادی ایران با دولت‌های غربی، به‌ویژه دولت انگلستان، شکل‌گیری «گفتمان اقتصاد مقاومتی» در کشور است. بنا به تعریف، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌گرای یک کشور قرار گرفته که منفعل نیست، در مقابل اهداف اقتصادی سلطه‌ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف کلان دارد. اقتصاد مقاومتی، مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و مدیریت عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط چنین موضوعی است (غفارپور و پورحاتمی، ۱۳۹۱)؛ از این رو تولید گفتمان اقتصاد مقاومتی در برابر اقتصاد مصرف‌گرا و وابسته، یکی از اصلی‌ترین مزایای حاصل از قطع روابط اقتصادی با دولت‌هایی، مانند انگلستان به شمار می‌رود. این گفتمان در درازمدت می‌تواند تغییرات بنیادین مثبتی را در نظام اقتصادی کشور ایجاد کند که یکی از ثمرات اصلی آن، قطع وابستگی مفراط



به دولتهای حریف و رقیب جمهوری اسلامی است؛ و این به معنای افزایش سطوح مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی است. در صورتی که برقراری مناسبات تجاری و عدم توجه به اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، تهدیدی جدی برای امنیت ملی کشور محسوب می‌شود. در سایه گفتمان اقتصاد مقاومتی، آنچه را حریف بدان به عنوان عنصری امنیت‌زدا می‌نگریست، به مؤلفه‌ای امنیت‌زا در راستای تقویت توان داخلی تبدیل می‌کنیم.

۲-۳- یکی از تبعات رابطه اقتصادی تک محصولی (متکی به فروش نفت خام) جمهوری اسلامی ایران با انگلستان، پدیده‌ای به نام بیماری هلندی است. «بیماری هلندی بیان‌کننده شرایط خاص اقتصادی است که طی آن، افزایش صادرات یک یا چند منبع طبیعی، موجب افزایش قابل توجه درآمد صادراتی آن کشور شده و این امر، موجب تغییر اختصاص منابع تولید از فعالیت‌های اقتصادی دیگر، از جمله صنایع تولیدی یا کشاورزی به آن فعالیت مخصوص می‌شود. چنین واقعه‌ای موجب کاهش توان اقتصادی آن کشور شده و پیامدهای منفی دیگری، مانند کاهش تولید ناخالص ملی آن اقتصاد می‌شود» (دموئی، ۱۳۹۲).

قطع مبادلات تجاری و اقتصادی با دولت انگلستان - که بخشی مهمی از آن در نتیجه اعمال تحریم‌های نفتی به اصطلاح فلج‌کننده علیه جمهوری اسلامی صورت گرفت - موجب شد تا اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به نفت کشور، آرام آرام به سمت غیرنفتی شدن حرکت کند. در این طرح، تلاش شده تا با توجه به مشکلات عدیده‌ای که با اعمال تحریم‌ها برای فروش نفت خام ایجاد شده، دولت برای تأمین هزینه‌های جاری کشور، درآمد حاصل از مالیات، ترانزیت، فناوری‌های برتر و صادرات غیرنفتی را جایگزین درآمدهای نفتی کند.

۲-۴- در سال ۱۳۹۰ که تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران تشدید شده و بانک مرکزی جمهوری اسلامی از سوی دولت انگلستان تحریم گردید، مسئولان ذی‌ربط برای جایگزینی طرفهای تجاری و نهادهای مبادله خارجی، اقدام به انتخاب شرکای جدیدی نمودند. همچنین تلاش شد تا در گستره شرکای جدید تجاری کشور، به جای وابستگی به یک شریک تجاری عمده، چندین شریک کوچک‌تر جایگزین شوند. ضمن اینکه با شدت گرفتن تحریم‌ها و همگام با سیاست نگاه به شرق دولت نهم و دهم، بر تنوع شرکای تجاری ایران افزوده شد؛ چنان‌که در شرایط کنونی «مشتریان عمده نفت ایران اکنون کشورهای آسیایی مانند چین، ژاپن و هند هستند» (ملکی، ۱۳۹۰)؛ از این رو ایجاد تنوع در مشتریان نفتی و چندجانبه‌گرایی در



گزینه‌ش شرکای تجاری، موجب شده تا یکی از اهرمهای چانه‌زنی لندن برای فشار و امتیازگیری از طریق تضيیقات اقتصادی و کاهش خرید نفت، ناکارآمدتر شود.

۲-۵- تحریم، ابزار تنبیهی است که در سیاست خارجی برای فشار بر کشور هدف در راستای تغییر رفتار آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تغییر رفتار می‌تواند تغییر رفتار سیاسی یا تغییر سیاستهای اقتصادی باشد. ایالات متحده آمریکا و انگلستان برای تغییر در رفتار جمهوری اسلامی جهت دست کشیدن از فعالیتهای هسته‌ای، تحریمهای اقتصادی گسترده‌ای را علیه ایران به اجرا گذارده‌اند. تهران نیز برای عبور از این فشارها، از طرق مختلف اقدام به دور زدن تحریمها نموده؛ تا جایی که منابع غربی، خود از ناکارآمدی این تحریمها سخن می‌گویند (اکونویز، ۱۳۹۱). تجربه نیز نشان داده که تجار و بازرگانان ایرانی، به هر حال مسیرهای لازم را برای حل مشکلات بانکی خود پیدا می‌کنند. ناتوانی و ناکارآمدی محدودیتهای اعمالی دولتهای غربی، به‌ویژه آمریکا و انگلستان برای متلاشی نمودن نظام سیاسی و اقتصادی ایران موجب شده تا جمهوری اسلامی، ضمن عبور از این برهه و نمایش توان مقاومت خود، بر اعتبار و وجهات بین‌المللی خویش بیفزاید.

۲-۶- آثار و تبعات اقتصادی کاهش و قطع روابط، علاوه بر جمهوری اسلامی، دامن شرکتهای اقتصادی و بازرگانی انگلیسی را نیز گرفته است؛ زیرا این شرکتهای انگلیسی، بیش از گذشته از بازارهای ایران دور شده‌اند؛ ضمن اینکه قطع روابط اقتصادی انگلستان با ایران، به وجهه لندن به عنوان یکی از مراکز مهم مالی دنیا آسیب می‌زند (فلاح پیشه، ۱۳۹۰). اما در سوی دیگر، صنعت جمهوری اسلامی برای تأمین نیازهای داخلی خود به سمت توانمندسازی نیروهای مستعد و بهره‌گیری از ظرفیت صنعتگران ایرانی رفته است. نتیجه اولیه این تدبیر، خودکفایی کشور در عرصه تولید و دستیابی به برخی فناوریهای انحصاری بوده است (پایگاه دستاوردهای انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱).

۲-۷- ارزش مبادلات دو کشور در سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۰۰ میلیون پوند رسید که موجب شد تراز تجاری به نفع جمهوری اسلامی مثبت شود؛ در صورتی که تا پیش از این، تراز تجاری به نفع انگلستان و به ضرر ایران بود. این موضوع نشان می‌دهد که هرچه میزان محدودیتهای اقتصادی و تجاری دولت انگلستان علیه ایران بیشتر شود، بخش بیشتری از ضرر و زیان آن، متوجه خود این کشور و بازرگانان و شرکتهای انگلیسی می‌شود (فلاح پیشه، ۱۳۹۰). حدود ۷۰ درصد اقتصاد انگلستان با خدمات مالی، بانکی و بیمه مرتبط است و بخش عمده درآمدهای این



کشور از این محل تأمین می‌شود؛ بنابراین قطع کردن همه ارتباطات مالی چنین مرکزی با ایران، برای خود انگلستان نیز زیانبار است (فلاح‌پیشه، ۱۳۹۰).

۲-۸- پس از بررسی روند مناسبات اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران و انگلستان طی سالهای گذشته، می‌توان چنین گفت که توسعه مبادلات تجاری تهران- لندن، تأثیر مهمی بر نحوه تعامل، مواضع ضد ایرانی و اتهام‌زنی‌های سیاسی مقامات انگلیسی علیه دولت ایران نداشته است. در دوره سازندگی به بهانه ماجرای میکونوس و ادعاهای حقوق بشری، در دوره اصلاحات به ادعای ارتباط با گروه‌های تروریستی و سلاح اتمی و در دولت نهم و دهم تشدید بحران هسته‌ای، موضعگیری و تلاشهای ضدایرانی دولت انگلستان را در پی داشت. افزون بر این، ملاحظه می‌شود که هزینه‌های قطع مناسبات تجاری با دولت انگلستان، تنها به موارد مالی و اقتصادی محدود می‌شود، در حالی که منافع ناشی از قطع روابط تجاری علاوه بر حوزه‌های اقتصادی در سطوح سیاسی، امنیتی، صنعتی و اعتبار بین‌المللی آشکارا دیده می‌شود.

۲-۹- باید توجه نمود که جمهوری اسلامی ایران در کنار محدودیتها و محرومیت‌های تحمیلی نظام سلطه که دولت انگلستان در شمار آنهاست، توانسته علاوه بر حفظ بقای خود و دستاوردهای انقلاب اسلامی، الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و آزادیخواه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باشد. پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی اقتصادی غرب علیه جمهوری اسلامی و غلبه بر مشکلات اقتصادی، هرچند در کوتاه‌مدت با هزینه‌های مادی و اقتصادی همراه خواهد بود اما تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی، اصول قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و عینیت‌بخشی به نظام اقتصاد اسلامی، بزرگ‌ترین منافع را برای جمهوری اسلامی به بار می‌آورد.

نتیجه‌گیری

چنان‌که در ابتدای این نوشتار بیان شد، این مقاله بر آن بود تا با استفاده از روش تحلیل هزینه- فایده به تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ پردازد که در آن هزینه‌ها و منافع این مناسبات، در دو وضعیت حفظ روابط اقتصادی و قطع آن، مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که «مناسبات تجاری- بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و بریتانیا بر اساس رویکرد هزینه- فایده چگونه قابل تحلیل است و گفتمان اقتصاد مقاومتی چه نقشی را در این رابطه ایفا



می‌کند؟» بررسی روند مناسبات در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ گویای آن است که روابط اقتصادی تهران- لندن هزینه‌ها و منافع مختلفی را برای دولت ایران در پی داشته است. قطع مناسبات اقتصادی با دولت انگلستان، اگر چه هزینه‌هایی را به دولت ایران تحمیل می‌کند ولی از سوی دیگر، منافع و مزایایی را نیز برای نظام اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته که مهم‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد:

- شکل‌گیری گفتمان اقتصاد مقاومتی؛ افزایش سطح امنیت ملی
- حرکت به سمت غیرنفتی شدن اقتصاد کشور؛ افزایش توان چانه‌زنی
- تغییر و جایگزینی طرفهای تجاری و مراکز مبادله‌ای؛ جایگزین کردن شرکای تجاری کوچک‌تر متعدد به جای وابستگی به یک شریک تجاری عمده مانند انگلستان
- دور زدن هر چه بیشتر تحریمها و نمایش توانمندی ایران؛ افزایش وجاهت و اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
- زیان مالی انگلستان به عنوان یکی از طرفهای تحریم‌کننده ایران
- توانمندسازی صنعت داخلی و خودکفایی در عرصه تولید فناوری‌های انحصاری و برتر
- مثبت شدن تراز تجاری جمهوری اسلامی ایران در روابط اقتصادی با انگلستان
- حفظ استقلال کشور

بنابر آنچه مطرح شد، می‌توان چنین گفت که دولت انگلستان همواره تلاش کرده تا با اعمال تحریم و فشارهای اقتصادی بر ایران، جمهوری اسلامی را مجبور به تغییر در رفتار و عقب‌نشینی از اهداف انقلاب اسلامی نماید؛ از این رو غالب محدودیتهای اقتصادی که کاهش و در برخی موارد قطع مبادلات اقتصادی را در پی داشته، از سوی دولت انگلستان بوده است. با وجود این، طی سالهای گذشته، تهران بنای خود را بر حفظ روابط اقتصادی با لندن قرار داده بود. اما در شرایط کنونی، به دلیل هزینه‌های ناشی از فشار مضاعف دولت انگلستان بر نظام اقتصادی ایران، مؤثرترین پاسخ، تکیه بر اقتصاد مقاومتی و پیگیری راهکارهای عملی این گفتمان است؛ از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تغییر در الگوی روابط اقتصادی خود با انگلستان، مقدمات و بسترهای لازم را برای تحقق گفتمان اقتصاد مقاومتی فراهم نماید.

توجه جدی به فناوری‌های برتر، درون‌زایی اقتصادی و برون‌گرایی تجاری با



عضویت در سازمانهای تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی، تشکیل سازمانهای منطقه‌ای با محوریت ایران و اقتصادهای نوظهور می‌تواند زمینه مناسبی برای این تغییر الگو باشد. از سوی دیگر، حرکت به سمت غیرنفتی شدن اقتصاد کشور، اصلاح نظام اقتصادی ایران و توانمندسازی صنعت داخلی و خودکفایی در عرصه تولید فناوری و کشاورزی، موجب تقویت بنیانهای اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد شد. تهران می‌تواند با حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی، ضمن کاستن از بار هزینه‌ها و جلب منافع بیشتر، بازی «دو سر برد» خود را با دولت انگلستان اجرا نماید؛ در این بازی، جمهوری اسلامی ایران - چه در تنگنای تحریم و چه در توسعه روابط اقتصادی - به دلیل اتکا به ساختارهای اقتصادی مقاوم داخلی، درگیر نوسانات روابط خارجی خود نخواهد شد. به نظر می‌رسد که نه تنها منافع حاصل از قطع مناسبات اقتصادی با دولت انگلستان که حتی با نگاه به هزینه‌های ناشی از آن، باز هم ضرورت تحقق گفتمان اقتصاد مقاومتی آشکار می‌شود.

منابع

۱. اترک، حسین (بی‌تا)؛ سودگرایی اخلاقی، مجله نقد و نظر، سال دهم، شماره اول و دوم
۲. اخوان توکلی، فرنز (۱۳۸۶)؛ گاهشمار روابط ایران و انگلیس، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چ اول
۳. اکونیوز (۱۳۹۱)؛ اذعان فاکس‌نیوز به ناکارآمدی تحریمها علیه ایران، وب‌گاه اکونیوز، ۱۳۹۱/۷/۱۷، www.econews.ir/fa/NewsContent.aspx?action=print&id=182164
۴. اطلاعات نت (۱۳۹۰)؛ قطع روابط تهران و لندن چه اثری بر ساختار اقتصادی ایران دارد؟، وب‌گاه اطلاعات نت، <http://www.ettelaat.net/11-december/print.asp?id=60586>
۵. امینی، امیرھوشنگ (۱۳۸۸)؛ نمی‌گذاریم روابط تجاری قطع شود، پرتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸، www.iccima.ir
۶. ایرنا (۱۳۹۰)؛ قطع روابط مالی انگلیس با ایران، ۱۳۹۰/۹/۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، <http://www.irna.ir/>
۷. بی‌بی‌سی (۱۳۹۰)؛ ایران و بریتانیا؛ شش دهه فراز و فرود بی‌پایان، ۱۳۹۰/۹/۲۰، وب‌گاه بی‌بی‌سی فارسی، http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/11/111125_l23_mg_uk_iran_relation_60_years.shtml
۸. بی‌نا (۱۳۸۱)؛ رخدادهای سیاست خارجی ایران (۱۳۷۷)، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی
۹. بی‌نا (۱۳۹۲)؛ سیاستهای کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، <http://farsi.khamenei.ir>
۱۰. پایگاه دستاوردهای انقلاب اسلامی (۱۳۹۱)؛ ۱۳۹۱/۵/۶، www.dastavardha.com
۱۱. پیغامی، عادل (۱۳۹۱)؛ اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی؟، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، <http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=20551>
۱۲. حسینی سورکی، سیدمحمد (بی‌تا)؛ بررسی و نقد سودگرایی اخلاقی، قم، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال دوازدهم، شماره سوم
۱۳. خاندوزی، احسان (۱۳۹۲)؛ تجربیات جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، <http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=24810>



۱۴. رادیو فردا (۱۳۸۸)؛ بریتانیا یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های ایران را مسدود کرد، ۱۳۸۸/۳/۲۹، وب‌گاه رادیو فردا، <http://www.radiofarda.com/archive/news/20090619/143/143.html?id=1757634>
۱۵. روحی‌صفت، محمد و تقوی، مهدی (۱۳۹۱)؛ کاهش سطح روابط اقتصادی ایران و انگلیس؛ آری یا خیر؟، ۱۳۹۱/۱/۲۰، وب‌گاه دیپلماسی ایرانی، www.irdiplomacy.ir/fa/page/682
۱۶. دانشور، یوسف (۱۳۸۲)؛ روابط بازرگانی ایران و انگلیس، نامه اتاق بازرگانی، دی ۱۳۸۲، شماره ۴۲۹
۱۷. دمویی، جمشید (۱۳۹۲)؛ ۸ وظیفه دولت برای درمان بیماری هلندی، ۱۳۹۲/۸/۸، وب‌گاه اقتصادآنلاین، <http://eghtesadonline.com/fa/print/30371/>
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، چ سوم
۱۹. زیباکلام، صادق (۱۳۹۰)؛ تحریم‌های اقتصادی و هزینه‌هایی که مسئولان نمی‌بینند، وب‌گاه دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰/۹/۱۲، <http://irdiplomacy.ir/fa/page/6823>
۲۰. سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن (۱۳۹۰)؛ روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و انگلیس تا سال ۲۰۰۹، وب‌گاه سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن، ۱۳۹۰/۱۰/۳، <http://london.mfa.gov.ir/NewsShow.aspx?id=2639&menu=345&lang=fa>
۲۱. سنائی، اردشیر (۱۳۸۴)؛ نگرشی بر روابط ایران و انگلستان (۱۳۵۷-۱۳۸۳)، روابط ایران و انگلستان، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چ اول، چ اول
۲۲. شکرانی، محمد (۱۳۷۲)؛ عملکرد یازده‌ساله دولت محافظه‌کار مارگارت تاچر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چ اول
۲۳. شیرزادی (۱۳۸۲)؛ اولویت‌های بین‌المللی انگلیس: راهبرد ده‌ساله وزارت امور خارجه، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴
۲۴. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۴)؛ روش‌شناسی فعالیت سیاسی انگلیس در ایران، روابط ایران و انگلستان، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چ اول، چ اول
۲۵. غفاری‌پور، داود و زهره پورحاتمی (۱۳۹۱)؛ اقتصاد مقاومتی: ضرورت مقاومت اقتصادی، پرتال وزارت امور اقتصاد و دارایی، www.mk.mefa.ir/Portal/Home
۲۶. فلاح‌پیشه، حشمت‌اله، قطع رابطه اقتصادی ایران و بریتانیا به ضرر کیست؟، وب‌گاه فردانینوز، ۱۳۹۰/۹/۱۳، www.fardanews.com/fa/print/172741



۲۷. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۴)؛ روابط بریتانیا- ایران، روابط ایران و انگلستان، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ج اول، چ اول
۲۸. لطفیان، سعیده و حمید رهنورد (۱۳۸۶)؛ امنیت در برابر آزادی‌های فردی تحلیل هزینه و منافع سیاست ضد تروریسم دولت بوش، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶
۲۹. ماهنامه اقتصاد ایران (۱۳۸۶)؛ فرصت‌طلبی چینی‌ها در طوفان تجاری ایران و اروپا، وب‌گاه ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۰۵، آبان ۱۳۸۶، <http://www.iraneconomics.net/fa/articles.asp?id=3318>
۳۰. مشرق‌نیوز (۱۳۹۰)؛ انگلیس بانک مرکزی ایران را تحریم کرد، مشرق‌نیوز، ۱۳۹۰/۹/۱، www.mashreghnews.ir/fa/print/80475
۳۱. ملکی، عباس (۱۳۹۰)؛ نفت ایران: انگلستان و تحریم‌های جدید، وب‌گاه دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰/۹/۱۲، www.irdiplomacy.ir/fa/page/18526
- ۳۲.

1. British embassy in Tehran (2012). <http://ukiniran.fco.gov.uk/fa/our-office-in-iran/our-embassy-in-tehran/embassy-history>
2. Export Control Organization (2011). IRAN LIST, 21st November 2011, Department for Business, Innovation & Skills, <http://www.bis.gov.uk/assets/biscore/eco/docs/iran-list.pdf>
3. Foreign Affairs Council of the European Union (2010). HM Treasury, http://www.hm-treasury.gov.uk/fin_restrictions_under_cta2008.htm
4. Kutchesfahani, Sara (2006). Iran's nuclear challenge and European diplomacy, EUROPEAN SECURITY & GLOBAL GOVERNANCE, EPC Issue Paper No.46
5. Kymlicka, Will (1990). Contemporary Political Philosophy: An Introduction, Oxford: Clarendon Press
6. SafetyNet (2009). Cost-benefit analysis, Project co-financed by the European Commission, Directorate-General Transport and Energy, 16/10/2009
7. Struwe, Matthias (1998). The Policy of "Critical Dialogue": An Analysis of European Human Rights Policy towards Iran from 1992 to 1997, Working Paper. University of Durham, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies, Durham

8. Treasury Board (1998). BENEFIT-COST ANALYSIS GUIDE, Ottawa: Canada Secretariat
9. Wehmeire, Sally (2006). Oxford Advanced learner's Dictionary of Current English, London: OXFORD university press, 7th edition

